

## کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران  
تلفن ۰۰۴۹۱۶۳۵۱۱۲۰۲۵  
E\_mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالکپریان  
تلفن ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰  
E\_mail: abdolgolparian@yahoo.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۱ مرداد ۱۳۸۸، ۱۲ اوت ۲۰۰۹

Iskraa\_nkk@yahoo.com

سر دبیر: منصور فرزاد - عبدالکپریان



اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

### خاطرات شاهدان عینی از اعدامهای خلخالی در سنندج در سال ۵۷ برگرفته از سایت اشتراک

به آقای خلیل بهرامی خبر داده شده بود که یک قاضی (صادق خلخالی) - که از دوستانش بود - خیال دارد کردها را در سالن انتظار فرودگاه سنندج- مرکز کردستان- محاکمه کند.  
در فرودگاه، وقتی که ۱۰ مرد دستبند به دست روی نیمکت چوبی در برابر صادق خلخالی نشستند، آقای رزمی آماده، بیرون دادگاه صحرائی ایستاده بود. نفر یازدهم مجروح بود و کنار در روی

صفحه ۳

### تجمع اعتراضی کارگران پریس در مقابل استاندارداری کردستان

امروز چهاردهم مرداد ماه ۸۸ کارگران کارخانه ریسندگی پریس سنندج همراه با خانواده های خود در مقابل استانداردی کردستان در اعتراض به عدم اجرای رای دیوان عدالت اداری دست به تجمع اعتراضی زدند.

صفحه ۴

### پیکر ترانه در روستایی در منطقه وازیوار آرام گرفته است

بر گرفته از: وبلاگ ترانه موسوی  
ترانه موسوی شهید شده است. در یکی از روزهای بین هفتم تا بیست و چهارم تیر. درباره نوع دستگیری و نوع مرگش بسیاری از

صفحه ۲

### یورش به کردستان در ۲۸ مرداد و سرکوب انقلاب ۵۷

دستگیری مبارزین هدفی جز ترساندن و تحقیر، سرکوب خواسته های مردم و تشبیت رژیم نداشت. رژیم اسلامی در شهرهای کردستان پایگاهی نداشت تنها نیروی که از رژیم جنایتکار اسلامی دفاع میکرد جریان مذهبی مفتی زاده بویژه در سنندج و میوان بود که افراد وابسته

صفحه ۲

کامیاران، سنندج، میوان و سقز وارد شدند. در همان ابتدا حمله و تعرض وحشیانه ای را بر علیه مردم آغاز کردند. اعدامهای خلخالی و تصرف شهرها توسط نیروهای سپاه و بسیج و رفتار خشونت آمیز، تیراندازیهای شبانه روزی و عمدتا بدون دلیل در خیابانهای شهر، کتک و اذیت و آزار مردم، تعقیب و



منصور فرزاد

پس از اعلام جهاد و فرمان یورش خمینی در ۲۸ مرداد ۵۸ به کردستان، نیروهای سرکوبگر رژیم ابتدایه پایه و نوسود و سپس به



سال ۵۸ - اعدام ۱۱ نفر در فرودگاه سنندج

### صدور حکم زندان و شلاق برای سه نفر از دستگیر شدگان اول مه با اعتراض گسترده خود به این گستاخی رژیم پاسخ دهیم

شلاق تعزیری محکوم کرده است. البته در متن حکم ۶ سال زندان این قابل تبدیل به سه سال حبس تعلیقی خوانده شده و همچنین شب

صفحه ۴

زندان و شلاق صادر کرده است. دادگاه شعبه ۱۰۵ جزایی دادسرای عمومی سنندج هر یک از این کارگران را به جرم برپایی مراسم اول ماه مه به ۶ ماه زندان و ۴۰ ضربه

بنا به گزارش سایت اتحاد جمهوری اسلامی برای سه نفر از کارگران دستگیر شده اول مه به اسامی فایق کیخسروی، شیوار سحابی و منصور کریمیمن احکام

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## یورش به کردستان در ۲۸ مرداد ... از صفحه ۱

وحشیگری رژیم ضد بشر بوده اند بسیار عمیق است و زدودنی نیست. مقاومت و تن ندادن به تسلیم و دفاع از ارزشهای انسانی، همواره نیروی قدرتمند و پایدار در جامعه بوجود میآورد که در شرایط مناسب انگیزه تلاش برای پیروز شدن و بزرگ شدن حاکمان سرکوبگر را در چندان میکند.

همزمان با تسخیر شهرها و نظامی کردن کردستان، رژیم سرکوب آزادیهای سیاسی و سازمانهای مخالف و بویژه کمونیستها و کارگران در شهرهای دیگر ایران را نیز به پیش میبرد و پس از خرداد ۶۰ و حمله وحشیانه و سرکوب خونین در سراسر ایران توانست که رژیم اسلامی را تثبیت کرده و انقلاب را خفه کند.

در واقع آنچه در کردستان اتفاق افتاد، آئینه ای تمام نما از کل ایران است. اما به دلایل تاریخی مردم در کردستان در مرحله ای در بعد اجتماعی و از نظر زمانی در آن دوران زودتر در مقابل رژیم اسلامی قرار گرفتند. نه تنها در کردستان بلکه در سراسر ایران مردم عمیقاً از این رژیم نفرت دارند و خواهان سرنگونی آن هستند. این رژیم علیرغم بکار گرفتن تمامی امکاناتش موفق نشده که ارزشها و نرملهای ضد انسانی اش را به مردم تحمیل کند. مبارزات چند ساله اخیر بطور روشنی گواه عمق تنفر و انزجار مردم از این رژیم و تلاش و خواستشان برای رسیدن به یک جامعه انسانی است.

۱۲ اوت ۲۰۰۹

به وجب و کوچه به کوچه از شهرداری کردند. مقاومت حالتی وسیع و توده ای بخود گرفته بود. رژیم با توجه به در اختیار داشتن تجهیزات و امکانات بهتر، شهر را از چند طرف به توپ و خمپاره بست. خمپاره باران شهر تا پایان جنگ ادامه داشت که حاصل آن کشته شدن هزاران نفر و تعداد بسیار بیشتری زخمی بود. خانه ها و امکانات معیشتی مردم که نتیجه سالها کار و زحمت بود در اثر اصابت گلوله های توپ و خمپاره و اسلحه های دیگر ویران و غیر قابل استفاده شد. نیروهای مسلح کومه له و دیگر سازمانها ناچاراً از شهر عقب نشینی کردند و نیروهای رژیم وارد شهر شدند. تصرف شهرهای دیگر کردستان وضع نسبتاً مشابهی داشت.

ابعاد جنایت و سبعیت حمله رژیم به کردستان در ۲۸ مرداد ۵۸ قابل مقایسه با حمله دوم آن در فروردین ۵۹ نیست. رژیم در حمله دوم و با سرکوب سیستماتیک و نظامی کردن شهرها و روستاهای کردستان قادر شد که خود را مستقر کند. رژیم در کردستان مستقر شد اما هیچگاه نتوانست مردم را به تسلیم وادار کند. مقاومت و مبارزه مردم در اشکال و شیوه های مختلف ادامه یافت و هیچگاه به رژیم مجال ندادند که بمشابه نیروی پیروز عرض اندام کند. رژیم از لحاظ نظامی تفوق داشت و پیروز شد اما از نظر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همواره به مصاف طلبیده میشد و هیچگاه مورد قبول واقع نگردید. بی زاری و لعن و نفرین هر روزه والدین و مردمی که عزیزانشان را از دست داده بودند، مبارزه و مقاومت کردند، مردمی که شاهد جنایات و

جدی نمیکرفت و عملاً ثابت شد که تعیین هیئت مذاکره تنها برای بدست آوردن فرجه برای رژیم و تعرض دوباره به کردستان است. یادآوری کنم که در طی مدت سه ماه فقط یک ربع مذاکره انجام گرفت. کلیه شواهد هر تردیدی را از بین میبرد که رژیم در صدد منسجم کردن خود برای حمله است. جلوگیری از حمل و نقل و وسائل مورد نیاز به کردستان و در واقع محاصره اقتصادی غیر رسمی، و تجهیز نیروهای فراری مفتی زاده در کرمانشاه و آموزش آنها، سخنرانیهای تهدید آمیز مقامات دولتی و جنگهای ایذائی جریان مفتی زاده در اطراف کامیاران و بازرسی اتوبوسهای مسافربری و دستگیری "مشکوکین" به اضافه تقویت پادگانهای شهرهای جنوبی کردستان و همچنین تغییر لحن هیئت مذاکره، نشانه هائی بود برتائید بی اعتمادی اکثریت مردم به جمهوری اسلامی. همزمان جمهوری اسلامی که فلسفه وجودیش سرکوب انقلاب ۵۷ و دستاوردهای آن بود، خود را هر چه بیشتر منسجم می کرد. در این راستا در اواخر فروردین ۵۸ تعرض دوباره رژیم به کردستان شروع شد و فضای شهرهای دیگر ایران نیز با تعرض به کارگران و تشکلهای آنها، به سازمانهای چپ و تعقیب و دستگیری فعالین تغییر کرد. تعرضی همه جانبه از هوا و زمین به کردستان شروع شد. مقاومت مردم به شیوه های مختلف و یک پارچه بر علیه رژیم ادامه پیدا کرد. در سنج جنگی در گرفت که ۲۴ روز طول کشید که بعدها به جنگ ۲۴ روزه مشهور شد. مبارزین و مردم وجب

آنها به آتش کشیدند. مدرسه قرآن، مرکز اصلی مفتی زاده و مظهر نماد رژیم جمهوری اسلامی در شهر بود. این دو حرکت توسط فعالین و رهبران محلی سازمان داده شده بود. همزمان تعرض مردم در شهرهای دیگر و نیروهای مسلح سازمانها و بویژه کومه له در جریان بود و تظاهرات بمراتب وسیعتری بر علیه نیروهای سرکوبگر افتاد. نیروهای رژیم در اثر مبارزات و تنفر شدید مردم از جمهوری اسلامی وادار به عقب نشینی شد و رژیم بدلیل ناتوانی در ادامه سرکوب به دیپلماسی روی آورد. بمنظور بدست آوردن فرصت برای بازسازی نیروهایش و تعرض دوباره پیشنهاد مذاکره کرد. پیشنهاد مذاکره قبول شکست رژیم در یورش گسترده به کردستان با هدف باز پس گرفتن دستاوردهای انقلاب ۵۷ و سرکوب آن بود.

بعد از شکست رژیم در یورش ۲۸ مرداد، بخشی از نیروهایش به پادگانهای مستقر در کردستان خزیدند و بخشی دیگر به شهرهای دیگر ایران منتقل شدند و مردم با شور و شوق پیروزی خود را جشن گرفتند. ورود نیروهای مسلح کومه له به شهرها با استقبال بی نظیری روبرو شد و فعالیت در عرصه های مختلفی دوباره و علنی شروع شد. هیئتی از طرف رژیم با نمایندگان احزاب و سازمانهای فعال در کردستان عازم کردستان شد. بی اعتمادی به دولت در میان مردم شدید بود و کسی هیئت دولتی را

آن نقش زیادی در شناسائی مبارزین داشتند و کلیه دستگیریهها با همکاری آنها انجام گرفت. تشکلهای زنان، کارگران، دانش آموزان و جریانهای سیاسی که بویژه بعد از قیام شکل گرفته بودند و هر روز بر قدرت آنها افزوده میشد، غیر قانونی اعلام شده و فعالین آنها تحت تعقیب قرار گرفتند. بسیاری از فعالین سرشناس شهرها را ترک کردند و بصورت متشکل در مقابل یورش رژیم و بنابر شرایط جدید مسلح شده و اکثراً به تشکیلات مسلح کومه له پیوستند و یا با آن همکاری کردند. به این ترتیب نیروی مسلح کومه له رسماً و بطور قدرتمندی شکل گرفت. اکثر فعالین در شهرها و روستاهای اطراف مخفیانه فعالیت خود را ادامه دادند. فضای ترس و وحشتی که رژیم بوجود آورده بود بیش از یک ماه طول نکشید. درگیری نیروی پارتیزان با نیروهای رژیم از یک طرف و تظاهراتهای هزاران نفره در شهرها نشان از تغییر اوضاع داشت و مبارزه در اشکال دیگری ادامه یافت و رژیم را در حالت تدافعی قرار داد. از مهمترین رویدادهای آن دوران میتوان از تظاهرات هزاران نفره مردم شهر سنندج در مهر ماه ۵۸ نام برد. برای اولین بار بعد از یورش ۲۸ مرداد و در اعتراض به کشته شدن یکی از جوانان و با شعار آزادی مباره علیه جمهوری اسلامی وارد دوره تازه ای شد. مدتی بعد و در همان ماه کارگران بیکار به مدرسه قرآن، دفتر اصلی مفتی زاده و تنها پایگاه رژیم در سنندج حمله کردند و

## بیکر ترانه در روستایی در ... از صفحه ۱

حوزه های ادیان و عرفان علاقه بسیاری داشت و معمولاً با خودش یک کتاب با این موضوعات را حمل می کرد. ما دوستان ترانه موسوی، با یادآوری مرگ ترانه در راه آزادی یکدیگر را دلداری می دهیم اما نمی دانیم اکنون آیا کسی هست که تسلائی مادر ترانه باشد یا نه. ما دوستان ترانه هیچ خبری از مادرش نداریم و برای او نگرانیم

ترانه سال تولد فرزندش را ۱۳۶۳ ذکر کرد. ترانه لیسانس مدیریت بازرگانی از دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز داشت و به عنوان کارمند بازرگانی یک شرکت معتبر لوازم آرایشی و بهداشتی و اعطای نمایندگی به سالن های آرایش، فعالیت می کرد. ترانه موسوی که رنگ چشم هایش سبز بود، لباس های سبز زیاد داشت اما عاشق رنگ آبی بود. ترانه دختر آرام و کم حرفی بود و در صورت لزوم حرف می زد. او به مطالعه کتاب هایی در

یعنی نوزدهم مرداد در اخبار ساعت هشت و نیم شب شبکه دو افرادی با وقاحت تمام ادعا کردند که خانواده ترانه هستند در حالیکه همه کسانی که خانواده ترانه را می شناسند می دانند که مادر او بعد از سال ها و با مسافرت به شهر نجف اشرف و دست به دامن امام علی شدن، ترانه را باردار شد و بعد از ترانه نیز فرزند دیگری به دنیا نیآورد. ضمن این که ترانه متولد سال ۱۳۶۰ است در حالیکه در آن گفتگوی کذب، هنرپیشه نقش مادر

کرده و شبانه و بدون هیچ گونه مراسمی در گورستان روستایی در آن منطقه دفن کرده اند. پدر ترانه نیز که تحمل دوری ترانه اش را نداشت چندی بعد از شهادت تنها فرزندش، دار فانی را وداع گفت و به ترانه پیوست. ما دوستان ترانه، اکنون هیچ خبری از یگانه بازمانده خانواده ترانه نداریم و در کمال تعجب، شب پیش

هستیم نتوانستند به حقایق بیشتری درباره نوع و زمان مرگ ترانه و نیز محل دفن او دست پیدا کنند. ما دوستان ترانه هم مانند همه کسانی که شجاعت به خرج داده و خبر شهادت ترانه را منعکس کردند محل دفن ترانه عزیزمان را نمی دانیم اما این را می دانیم که ترانه را به شمال و منطقه وازیوار منتقل



## پاوه - سال ۵۸

۵. فایق عزیزی (عضو شورای شهرمیوان)
۶. علی داستان (پیشمرگه)
۷. بهمن اختری (پزشک و فیلمبردار)
۸. جلال نسیمی
۹. احمد قادرزاده اهل روستای درهتفی

**اعدام ۱۱ تن در شهرستان سنندج روز ۵ شهریور ۱۳۵۸ ساعت ۵ بعدازظهر ۲ تن از آنها مجروح بودند(احسن ناهید از ناحیه ران پا، با استفاده از برانکارد و ناصر سلیمی، از ناحیه دست راست).**

- ۱- احسن ناهید
۲. شهریار ناهید
۳. جمیل یخچالی
۴. ناصر سلیمی
۵. عبدالله فولادی
۶. مظفر نیازمند
۷. سیروس منوچهری
۸. اصغر بصری
۹. مظفر رحیمی
۱۰. عیسی پیرولی
۱۱. عطا زندی

**اعدام ۲۰ نفر در شهرستان سقز ساعت ۷ بامداد ۶ شهریور ۱۳۵۸:**

۱. احمد سعیدی
۲. قادر بهار
۳. محمد بابامیری
۴. رسول امینی
۵. ناجی خورشیدی
۶. کریم رضانی
۷. انور اردلان
۸. سیف اله فیضی
۹. علی فخرایی
۱۰. عبدالله بهرامی

بودیم. گفت: این اسامی را که میخوانم خود را آماده کنند!! و پاسدار نام ۱۱ تن از اعدامیهای سنندج را از جمله احسن و شهریار ناهید از لیستش میخواند....

**اعدام ۱۱ نفر از اهالی شهرستان پاوه، ساعت ۲ و ۴۰ دقیقه بامداد ۲۸ مرداد ماه ۱۳۵۸ در زندان دیزل آباد کرمانشاه:**

- ۱- عبدالله نوری
۲. هوشنگ عزیزی
۳. محمد محمودی
۴. بداله محمودی
۵. حسین شببانی
۶. هرمز گرجی بیانی
۷. مظفر فتاحی
۸. محمد عزتی
۹. محمد عزیزی
۱۰. اذرنوش مهدویان
۱۱. اصغر بهبود

**اسامی ۷ تن دیگر از اعدامشدگان پاوه بامداد روز ۲۹/۵/۱۳۵۸ در محوطه زندان دیزل آباد کرمانشاه:**

۱. حاجی افراسیاب
  ۲. عبدالوهاب ملک شاهی
  ۳. عمادالدین ناصری
  ۴. عبدالکریم کریمی
  ۵. محمد نقشبندی
  ۶. عزیزمراد
  ۷. مراد ذوالفقاری
- اعدام ۹ نفر در شهر میوان، ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه ۳ شهریورماه ۱۳۵۸:
۱. حسین مصطفی سلطانی
  ۲. امین مصطفی سلطانی
  ۳. احمد پیرخضری (کارمند بیمارستان)
  ۴. حسین پیرخضری (معلم)

هستند در يك اقدام حماسی با وجود نجات از مهلکه بخاطر احسن خود را دوباره تسلیم می کنند. جمیل از قول احسن تعریف می کند که با وجود زخم ران و خون ریزی به فرار ادامه داده و در يك مزرعه خود را زیر شیدرهای آن مزرعه مخفی می کند. پاسدارها به مکانی که در آن مخفی شده بودند، رسیده و... ادامه این نقل قول از زبان احسن:

آنها از ما میخواستند که خود را تحویل دهیم و ترسی هم از ما نداشتند، چون اطمینان داشتند که ما اسلحه نداریم. من هیچگونه حرکتی نمیکردم، گرمای زیاد زیر شیدرها هم مرا آزار میداد و هم بی نهایت طاقت فرسا بود، بخصوص درد رانم آنرا ده چندان میکرد. جاشها جاش یا کره خر- اصطلاحی برای خائنین در زبان کردی است - پاسداران کرد مشغول زیر و رو کردن شیدرها بودند تا به شبدری که روی من بود رسیدند. آنرا کنار زده و مرا از زیر آن بیرون آوردند.

شهریار و جمیل با دیدن این صحنه، یعنی اسیر شدن من، از جایی که خود را مخفی کرده بودند، بیرون آمدند و خود را تسلیم کردند. آنها میتوانستند فرار کنند و خود را از این محسمه نجات دهند، اما دست به این عمل نزدند. معلوم بود که نمیخواستند که من را تنها بگذارند. آنها را کتف بسته و من را با کمک عوامل رژیم به پاسگاه باز گردانند، بلافاصله ما را به سنندج انتقال دادند. من را برای "معالجه" به پادگان سنندج آوردند.

جمیل نوره در ادامۀ خاطرات خویش مینویسد:

حدود ساعت يك بعداز ظهر هنوز جو سکوت بر بازداشتگاه سایه افکنده و بی خوابی دیشب و نگرانی از محاکمات فرمایشی فضای زندان را کسل کننده تر کرده بود. زندانیان هر چند نفر در گوشه ای با همدیگر صحبت میکردند. ساعت ۲ تا ۳ بعد از ظهر. صدای باز شدن در اطاق بازداشتگاه سکوت رادر هم شکست. پاسداری وسط در ایستاد. او کاغذی در دست داشت و از ما خواست توجه کنیم.

ما ساکت و گوش به زنگ

## خاطرات شاهدان عینی ... از صفحه ۱

سنندج، دست راستش را روی سینهاش گذاشت. دستش باندپیچی شده بود. به گزارش روزنامه های آن زمان، در يك جنگ خیابانی مجروح شده بود. در برابر او تنها سرباز بدون چفیه، مسلسلش را بالا برد.

سربازان به کریمی چشم دوختند. محافظ شخصی قاضی اسلحههاش را از جلدش بیرون آورد. عکاس میگوید، همه نمرده بودند. محافظ روی احسن ناهید، زندانی خوابیده روی برانکارد (دانشجوی پلی تکنیک)، خم شد و يك گلوله به سرش شلیک کرد. رزمی دوریانش را قاپید. کریمی به سوی بعدی رفت و به سوش شلیک کرد. دو خبرنگار میگویند، او همین طور پیش میرفت - يك گلوله برای هر نفر (تلاش برای یافتن کریمی ناموفق بوده است).



جمیل نوره یکی از زندانیان نجات یافته آروزها که قبل از اعدام با احسن ناهید در اسارت بوده در خاطرات خود(خاطرات يك شاهد زنده برای ثبت در تاریخ) چگونگی زخمی شدن احسن ناهید که بر برانکاردی در روز پنجم شهریور تیرباران شد را در یکی از سایتهای اینترنتی انتشار داده است.

جمیل نوره علت زخمی شدن وی را تیراندازی پاسداران مراقبش در حین انتقال به زندان ذکر کرده است. جمیل در نقل خاطرات خویش همچنین مینویسد که شهریار، برادر کوچکتر احسن ناهید، (دانشجوی سال دوم پزشکی) و یکی از دوستانش بنام جمیل یخچالی، که هر دو جز اعدام شدگان سنندج

ارائه نشد. همه اش حدس و گمان بود. پس از نزدیک به ۳۰ دقیقه، خلخالی یازده مرد را "مفسد فی الارض" اعلام کرد. چند نفری گریستند.

بهرامی همکارش، رزمی را فراخواند. "این شانس رزمی بود که آن روز با من آن جا بود". هر دو میگویند، این جمع از کنار ۳۰ کارگر فرودگاه گذشت. جلوی همه رزمی میرفت. هر دو میگویند، در عقب، علی کریمی بود، یکی از محافظان شخصی قاضی، با کفشهای سفید، شلوار سفید، پیراهن سفید، عینک آفتابی و جلد تپانچه کمربند. پس از تقریباً ۱۰۰ متر، يك مأمور، محکومان به مرگ را روی يك زمین خاکی از حرکت بازداشت. همه اعدامکنندگان به جز يك نفر دور سرشان چفیه بستند، چهرههای

شیعیان و چشمان کردها اکنون پنهان شده بود.

به گفته دو خبرنگار، آقای کریمی از زندانیان خواست آخرین وصیت خود را بکنند. مردها چیزی نگفتند، همه ساکت بودند به جز يك نفر. «آن» عیسی پیروالی «بود» که به گفته بهرامی، برای نجات خود گریه میکرد. او ساندویچ فروشی بود که عضو هیچ حزب سیاسی نبود فقط يك تفنگ داشت و متهم به قتل شده بود. رزمی میگوید: «او ترسیده بود. نمیتوانست بایستد» سربازان از یکی از زندانیان خواستند تا او را نگاه دارد.

اولین نفر سمت راست، ناصر سلیمی کارمند اداره بهداشت

## خاطرات شاهدان عینی ...

از صفحه ۳

۱۱. سیدحسین احدی
  ۱۲. محمد درویش نقرهای
  ۱۳. کریم شیرینی
  ۱۴. ابوبکر حمیدی
  ۱۵. احمد مقدم
  ۱۶. جلیل جمالزاده
  ۱۷. کشی زاده
  ۱۸. محمد غفاری
  ۱۹. خاطرخطیبی
  ۲۰. ناصر حدادی
- سقز - خلیل بهرامی - خبرنگار  
اعزامی اطلاعات به کردستان:  
آیتالله خلخالی، دیروز وارد سقز شد  
و در محل تیپ سقز دادگاه صحرایی

خود را برای رسیدگی به پرونده‌های دستگیرشدگانی که در حوادث سقز دست داشتند و حمله به تیپ سقز و به گردانهایی که از سنندج و کرمانشاه اعزام شده بودند حمله کرده بودند، تشکیل جلسه داد و به اتهامات ۲۰ نفر افسر و درجهدار ژاندارمری و ارتش و غیرنظامیان این حوادث رسیدگی کرد. عدهای از افسران و درجهداران موقعی که به پادگان حمله شده بود، سرخدمت

کریم رضایی و غیرنظامیان انور اردلان، سیف الله فیضی، علی فخرایی، عبدالله بهرامی، سید حسن احدی، محمد درویش نقرهای، کریم شیرینی، ابوبکر صمدی، احمد مقدم و جلیل جمالزاده. حکم اعدام صبح امروز، در سقز به مرحله اجرا درآمد. (اطلاعات ۷/۶/۱۳۵۸)

صدور حکم زندان و...  
از صفحه ۱

بو خلیلی و بابک باجلانی دو بازداشت شده دیگر اول مه حکم تبرئه گرفته اند.

امروز در شرایطی که خیزشی انقلابی در سراسر ایران در جریان است و مردم باز کردن درب زندانها را نشانه رفته اند، این اقدام گستاخانه رژیم بهای سنگینی برایش خواهد داشت.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی صدور این احکام قرون وسطایی و محاکمه کارگران بخاطر برپایی اول مه را بشدت محکوم میکند. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی همه کارگران و همه انسانهای آزادیخواه بویزه مردم شهر سنندج را به اعتراض

گسترده علیه این احکام ارتجاعی و قرون وسطایی و صدور حکم زندان و شلاق برای کارگران دستگیر شده اول مه فرا میخواند. باید بساط این دادگاهها ارتجاعی و قوانین ارتجاعی قضایی جمهوری اسلامی را برسرشان خراب کرد. باید این ماشین سرکوب و بیدادگاهیشان را در هم شکست. تنها با تجمعات اعتراضی گسترده است که نه تنها میتوانیم جمهوری اسلامی را از صدور چنین احکامی پیشمان کنیم و عقب برانیم بلکه خواهیم توانست درب زندانها را بگشاییم و همه زندانیان سیاسی را از زندان رها کنیم.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی  
۱۸ مرداد ۸۸ - ۹ اوت ۲۰۰۹

داسرای عمومی سنندج هر کدام به ۶ ماه حبس تعزیری و ۴۰ ضربه شلاق تعزیری محکوم شدند.

در متن این حکم آمده است که احکام فوق قابل تبدیل به حبس تعلیقی بمدت سه سال می باشد. بر اساس این حکم بابک باجلانی و شب بو خلیلی از بازداشت شدگان مراسم روز جهانی کارگر در سنندج از اتهامات خود تبرئه شده اند.

ما صدور احکام زندان و شلاق بر علیه بازداشت شدگان روز جهانی کارگر در سنندج را بشدت محکوم می کنیم و تبدیل این احکام به سه سال حبس تعلیقی را در راستای به سکوت کشاندن کارگران و وادار نمودن آنان به تحمل شرایط به غایت برده واری میدانیم

۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸  
Shahla\_daneshfar  
@yahoo.com  
http://free-zendaniyeh.blogspot.com  
ضمیمه:

صدور حکم زندان و شلاق بر علیه بازداشت شدگان اول ماه مه سنندج را بشدت محکوم می کنیم  
سه نفر از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر به شش ماه زندان و ۴۰ ضربه شلاق تعزیری محکوم شدند

سه نفر از کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سنندج به نامهای فایق کیخسروی (از اعضای اتحادیه آزاد کارگران) - شیوا سبحانی و منصور کریمیان از سوی دادگاه شعبه ۱۰۵ جزایی

که امروزه بر طبقه کارگر ایران تبدیل شده است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران برگزاری مراسم اول ماه مه را یکی از بدیهی ترین حقوق مسلم کارگران میدانند و بدینوسیله عموم کارگران، تشکلهای و نهادهای کارگری در ایران و سراسر جهان را به

اعتراض یکپارچه بر علیه این احکام فرا میخواند و خواهان لغو فوری و بی قید و شرط احکام صادره بر علیه فایق کیخسروی، شیوا سبحانی و منصور کریمیان و پایان دادن به هر گونه ممنوعیت و محدودیتی در برگزاری مراسم اول ماه مه است.

زنده باد اول ماه مه  
اتحادیه آزاد کارگران ایران ۱۷  
مرداد ماه ۸۸

## تجمع اعتراضی کارگران پریس ...

از صفحه ۱

تجمع کارگران بطور گسترده ای در محل حضور پیدا کرده بودند و در همان ابتدای شروع تجمع از کارگران خواستند به تجمع خود پایان دهند و یا کمی دورتر از مقابل استانداری به تجمع خود ادامه دهند اما کارگران این مسئله را نپذیرفتند و نهایتاً به تجمع خود در مقابل استانداری ادامه دادند.

بنا بر این گزارش با ادامه تجمع کارگران و خانواده هایشان در مقابل استانداری در ساعت ۱۱ صبح یکی از مامورین انتظامی از نماینده های کارگران خواست جهت مذاکره با یکی از معاونین سیاسی امنیتی استانداری به داخل بروند.

در این مذاکره نماینده های کارگران با ارائه اسناد و طرح مسائل خود خواهان رسیدگی فوری به خواست هایشان شدند و نماینده استانداری نیز طی تماسی با اداره کار سنندج خواهان پاسخگویی این اداره در مورد کارگران پریس شد.

لازم به یادآوری است در تاریخ ۲۶/۱۱/۸۷ دیوان عدالت طی حکمی رای هیئت حل اختلاف اداره کار سنندج مبنی بر بازگشت بکار کارگران پریس با حذف قید موقت از قرارداد هایشان و پرداخت دستمزد ایام بلا تکلیفی آنان را صادر کرد. اما از آن تاریخ تا کنون کارفرما با انواع شگردها و کارشکنی از

کارگران پریس داده است و به لحاظ قوانین موجود اداره کار سنندج نه تنها حق صدور هیچ رای دیگری را نداشته است بلکه بایستی بر حسن اجرای رای دیوان عدالت نیز نظارت میکرد.

کارگران پریس پس از مذاکره با نماینده استانداری کردستان و قول وی برای رسیدگی فوری به خواسته های شان ساعت ۱۲ ظهر به تجمع خود پایان دادند و قرار است فردا صبح نماینده های آنان پیگیر قول نماینده استانداری شوند.  
کارگران پریس اعلام کرده اند در صورت عدم اجرای فوری رای دیوان عدالت به تجمعات اعتراضی خود ادامه خواهند داد.

لازم به یادآوری است همزمان با این تجمع اعتراضی، مسئولین اتحادیه آزاد کارگران ایران پیگیر

مسائل این کارگران از طریق دیوان عدالت شده و قرار است وکیل آنان آقای دکتر خلیل بهرامی شکایتی را به دیوان عدالت در رابطه با عملکرد ضد کارگری اداره کار سنندج تسلیم کند.

در تجمع امروز کارگران پریس و خانواده هایشان، آنان پارچه نوشته بزرگی را مبنی بر اجرای رای دیوان عدالت و محکوم کردن رای هیئت حل اختلاف اداره کار سنندج بدست گرفته بودند. در این تجمع مامورین از نزدیک شدن مردم به کارگران و برداشتن عکس و فیلم بشدت جلوگیری میکردند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران ۱۴  
مرداد ماه ۸۸